

به شانہ ات نکنم تکیه، اعتمادی نیست  
 دو تکه گوشت که دیوار استنادی نیست

به اتفاقِ دل و دیده از تو برگشتم  
 عبورِ فاصله، تصمیم انفرادی نیست

چه جای قهر، مرا با کسِ دگر دیدی  
 در انحصار تو بودن قراردادی نیست

ندیده حدس زدم محتوای پیغامت  
 نخواندنِ خط از روی بی سوادی نیست

جگر شکافت، دلم سوخت، سینه غارت کرد  
 نگاه وحشی تو کم تر از جهادی نیست

همیشه پنجره ام رو به تیرگی وا شد  
 برای روحِ شب این کار، غیر عادی نیست

نه عشق و رزم و نی رنج پای دار کشم  
 سرم به شانہ ام ای مردمان زیادی نیست

بیخس اگر غزلم اندکی به تو بر خورد  
 ردیف و قافیۀ شاعران ارادی نیست